



تحلیلی بر دیدگاهها و نظریات مختلف پیرامون مدیریت بحران

کرامت اله زیاری^۱، سید عباس رجایی^۲، رسول داراب خانی^{۳*}

۱- استاد گروه جغرافیای انسانی و برنامه ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۲- دانشیار گروه جغرافیای انسانی و برنامه ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۳- دکتری جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه تهران*

این مقاله برگرفته از رساله دکتری رسول داراب خانی (نویسنده مسئول) با عنوان: ارائه الگوی مناسب مدیریت بحران سیلاب شهری ایلام، دانشگاه تهران (پردیس بین الملل کیش) می باشد.

چکیده

وقوع سوانح طبیعی سبب بروز تغییراتی در شرایط زیست محیطی می گردد، تغییراتی که روند زندگی مردم را مختل ساخته، تأثیرات مخربی بر سکونتگاهها به جا گذاشته و خسارت های اقتصادی، اجتماعی و محیطی گسترده ای را بر جوامع تحمیل می نماید. نکته مهم در این رابطه اتخاذ تدابیر و راهبردهایی برای کاهش خسارت های احتمالی هست. مدیریت بحران شهری ترکیبی از مسائل مدیریتی و برنامه ریزی شهری می باشد که هدف آن ایجاد هماهنگی بین برنامه ریزی و کنترل طرح ها و برنامه های شهری است به گونه ای که تدوین و اجرای این برنامه ها به شیوه ای مطلوب صورت گیرد. دانش مدیریت بحران شهری با تکیه بر داده های جغرافیایی می تواند اصول مدیریتی لازم جهت کاهش آسیب پذیری شهرها را در برابر این حوادث به اجرا در آورد. دو دیدگاه اصلی به منظور مقابله با وضعیت بحرانی وجود دارد؛ دیدگاه سنتی، دیدگاه نوین. در دیدگاه اول؛ مدیریت بحران تنها به مسئله امداد و نجات و کمک رسانی، به صورت موردی نگرسته می شود. در دیدگاه دوم؛ سعی بر آن هست تا با کمک گرفتن از تجربیات گذشته شناخت دقیق پدیده های طبیعی و محیطی، نسبت به پیش بینی و پیشگیری حوادث غیرمترقبه اقدام شود تا بتوان خسارت های ناشی از آنها را به حداقل ممکن کاهش داد. همچنین در ادامه برخی از نظریات مطرح در مدیریت بحران از جمله، پارادایم فن محور، نگرش توسعه ای به سانحه، سوانح و توسعه پایدار، معرفی و بررسی شده است.

کلید واژه: مدیریت بحران، تاب آوری، پارادایم فن محور، نگرش توسعه ای به سانحه، سوانح و توسعه

پایدار

An analysis of different views and ideas about crisis management

Keramatola ziari 1, Seyyed Abbas Rajaei 2, Rasul Darab Khani* 3

1- Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran

2- Associate Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran

3* - PhD in geography and planning, University of Tehran

This article is taken from the doctoral thesis of Rasul Darab Khani (author responsible for the article) with the title;
 Presenting the appropriate model of urban flood crisis management in Ilam, Tehran University (Kish International Campus).

Abstract

The occurrence of natural disasters causes changes in environmental conditions, changes that disrupt people's lives, leave destructive effects on settlements, and impose extensive economic, social and environmental damages on societies. The important point in this regard is to adopt measures and strategies to reduce possible damages. Urban crisis management is a combination of management issues and urban planning, the purpose of which is to create coordination between planning and control of urban plans and programs. In such a way that these programs are formulated and implemented in a favorable manner. The knowledge of urban crisis management, relying on geographic data, can implement the necessary management principles to reduce the vulnerability of cities against these incidents. There are two main points of view to deal with the crisis situation: the traditional point of view, the new point of view. In the first point of view; Crisis management is only viewed on a case-by-case basis. In the second view; An attempt is made to predict and prevent unexpected events with the help of past experiences and accurate knowledge of natural and environmental phenomena in order to reduce the damages caused by them to the minimum possible. Among other things, the fan-oriented paradigm, the developmental approach to accidents, accidents and sustainable development have been introduced and reviewed

Keywords: crisis management, resilience, technology-oriented paradigm, developmental approach to accidents, disasters and sustainable development

مقدمه

بحران یک رویداد پرخطر است که انسان‌ها و دارایی‌ها را متأثر می‌سازد. یک حادثه طبیعی بزرگ از قبیل؛ سیل، زلزله، گردباد، لغزش زمین و... که منجر به توقف کامل یا بخشی از فعالیت‌های جامعه همراه با تلفات جانی و خسارات مالی و آسیب‌های محیطی گسترده می‌شود (بی رودیان، ۱۳۸۵: ۱۸-۱۷). و لطامات متفاوتی به محیطی که در آن رخ می‌دهد، وارد می‌کند (روشندل اربطانی و صلواتیان، ۱۳۸۹: ۹۰). هر بحران دارای مراحل به شرح زیر هست (میرزایی، ۱۳۹۱): ۱- احساس خطر ۲- تغییر ذهنیت افکار عمومی در رابطه با بزرگی و کوچکی خبر واقعی و یا دروغ می‌تواند بحران ایجاد کند. ۳- پیآمدهای هر پدیده غیرقابل پیش‌بینی هرچند مصیبت‌بار می‌توانند همیشه از نظر هزینه، آسیب وارد می‌کند. همچنین بحران‌ها دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند (Coombs, 2007):

- ۱- بحران عموماً قابل پیش‌بینی نیست.
 - ۲- بحران‌ها دارای آثار مخربی هستند و مردمی که تا قبل از بحران نیازمند کمک نبوده، به محض وقوع بحران نیازمند کمک می‌شوند.
 - ۳- تصمیم‌گیری تحت شرایط سخت و در زمان کم انجام می‌گیرد.
 - ۴- کمبود و نقص اطلاعات
- پارسونز سه نوع بحران را بیان می‌کند که عبارتند از:
- بحران‌های فوری: این بحران‌ها دارای هیچگونه علامت هشداردهنده قبلی نیستند و سازمانها نیز قادر به تحقیق در مورد آنها و نیز برنامه‌ریزی برای دفع آنها نیستند.
- بحران‌هایی که به صورت تدریجی ظاهر می‌شوند: این بحران‌ها به آهستگی ایجاد می‌شوند. می‌توان آنها را متوقف کرد و یا از طریق اقدامات سازمانی آنها را محدود کرد.



-بحران‌های ادامه‌دار: این بحران‌ها هفته‌ها، ماه‌ها و یا حتی سال‌ها به طول می‌انجامند. استراتژی‌های مواجهه شدن با این بحران‌ها در موقعیت‌های متفاوت بستگی دارد به فشارهای زمانی، گستردگی کنترل و میزان عظیم بودن این وقایع. می‌توان از سه معیار سطح تهدید، فشار زمانی، و شدت وقایع، در طبقه‌بندی و شناسایی بحران‌ها استفاده کرد و می‌توان از این طریق به مدیران نشان داد که چه زمانی یک پدیده و یا یک مشکل می‌تواند تبدیل به یک بحران شود. «برنت» با استفاده از این سه معیار و نیز معیار تعداد گزینه‌های واکنش یا پاسخگویی، ماتریسی را برای طبقه‌بندی بحران‌ها پیشنهاد داده که در آن ۱۶ خانه وجود دارد. سطح تهدید در دو سطح بالا و پایین، تعداد گزینه‌های واکنشی در دو طبقه کم و زیاد، فشار زمانی در دو حد کم و شدید، و درجه کنترل در دو سطح بالا و پایین در نظر گرفته شده است. پدیده‌ها در این ۱۶ خانه به چهار سطح دسته‌بندی شده‌اند. سطح یک؛ زمانی است که سطح تهدید پایین، تعداد گزینه‌های واکنشی زیاد، فشار زمانی کم و درجه کنترل بالا است. سطح چهار زمانی است که سطح تهدیدها بالا، تعداد گزینه‌های واکنشی کم یا زیاد، فشار زمانی شدید و درجه کنترل پایین یا بالا باشد. «برنت» می‌گوید هرچه سطح پدیده یا مشکل از سطح یک به سطح چهار نزدیک گردد احتمال تبدیل آن مشکل یا پدیده به یک بحران بیشتر می‌شود (Parnell and etal, ۱۹۹۷: 9-10). این موضوع ارتباط خاصی با مباحث برنامه‌ریزی شهری، مدیریت شهری و جغرافیا دارد (Hill and Jones, 1995: 43). بنابراین مدیریت بحران شهری ترکیبی از مسائل مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری می‌باشد که هدف آن ایجاد هماهنگی بین برنامه‌ریزی و کنترل طرح‌ها و برنامه‌های شهری است به گونه‌ای که تدوین و اجرای این برنامه‌ها به شیوه‌ای مطلوب صورت گیرد (Nateghi, 1998: 2). در رابطه با مدیریت بحران و نحوه پاسخگویی به آن نظریات مختلفی وجود دارد که در ادامه به معرفی و بحث و بررسی این دیدگاه‌ها و نظریات می‌پردازیم.

دیدگاه‌های مدیریت بحران

انواع اقدامات و تصمیمات اخذ شده از سوی مدیران بحران به منظور مقابله با وضعیت بحرانی، به نوع نگرش آنان به بحران برمی‌گردد و در این رابطه دو دیدگاه اصلی وجود دارد.

۱- دیدگاه سنتی

این دیدگاه بحران را اساساً یک پدیده و وضعیت منفی نامطلوب دانسته که به هر نحوی باید از آن دوری جست. در این دیدگاه مدیریت بحران تنها به مسئله امداد و نجات و کمک‌رسانی، به صورت موردی نگریده می‌شود. در این دیدگاه؛ چون نوع واقعه، تجهیزات، سازمان‌دهی و آموزش ویژه‌ای برای مواجهه با حادثه، پیش‌بینی وب موقع اجرا نگردیده است. تا لحظه رسیدن گروه‌های امدادونجات و کمک‌های ارسالی صدمات و خسارات انسانی نمادی زیادی به جامعه آسیب‌دیده، وارد می‌گردد. در دیدگاه سنتی، سازمان‌های امداد منفعلانه به انتظار وقوع بلایا نشسته و جز تمهیدات اولیه امدادی و حمایتی و ذخیره‌سازی مایحتاج ضروری آسیب دیدگان و دریافت اعانه و کمک‌های داوطلبانه مردم، به چیز دیگری نمی‌اندیشد. در این دیدگاه اکثر مسئولین مربوطه، علاقه‌ای به تأمل در خصوص بحران را نداشته و پس از وقوع بحران، همه‌چیز را به دست فراموشی می‌سپارند و به انتظار سوانح و بحران‌های بعدی می‌نشینند (Meyers and Holusha, 1988).

۲- دیدگاه نوین

نگرش جدید با بهره‌گیری از کلیه نظریه‌های علمی و پیشرفت‌های فنی، موضوع غافل‌گیری و عدم آمادگی در شرایط بحرانی را منتفی و قبل از وقوع هر بحرانی با آمادگی از آن استقبال می‌کند. در این دیدگاه موضوع کمک‌رسانی تنها بخش کوچکی از چرخه مدیریت بحران را تشکیل داده و بجای انتظار کشیدن، خود را از هر جهت برای پیشگیری مؤثر آماده می‌نماید. در این دیدگاه سعی بر آن هست تا با کمک گرفتن از تجربیات گذشته شناخت دقیق پدیده‌های طبیعی و محیطی، نسبت به پیش‌بینی و پیشگیری حوادث غیرمترقبه اقدام شود تا بتوان خسارت‌های ناشی از آنها را به حداقل ممکن کاهش داد (عبدالهی، ۱۳۹۴).

نظریه های مدیریت بحران

- پارادایم فن محور

این دیدگاه بر ماهیت فیزیکی مخاطره، شیوه استقرار در معرض آن و پیامدهای آن برای واحد در معرض خطر برحسب درجه آسیب تحمل و ایده‌های زیان فیزیکی تمرکز یافته است (stonich, 2000). در این پارادایم ابعاد اجتماعی و تاریخی مخاطرات انبارشده و عمده توجه بر راه‌حل‌های فن‌سالارانه قرار گرفته است (bankof, 2001).



علاوه بر این ، راه حل های برنامه ریزی به عنوان عوامل زمینه ساز برخی از معیارهای محدود کننده در توسعه سرزمین مورد توجه واقع شده اند که ارزیابی آن با وزن دهی به شاخص هایی همچون شدت و تکرار مخاطره و آسیب پذیری ساختارها انجام می پذیرد (un,2004) .

-نگرش توسعه ای به سانحه

آسیب پذیری نتیجه تغییر و محصول بالقوه تمام فعالیت ها و اقدامات جامعه هست ، آسیب پذیری محصول مجموعه ای از علل رایجی است که در داخل آن ها ممکن است سوانحی اتفاق بیفتد . غال با توسعه فرآیند تغییر برنامه ریزی شده ای هست که شرایط و زمینه های رایج برای زندگی و مشارکت مردم را فراهم نموده و چهارچوبی را می سازد که در داخل آن فعالیت های برنامه ریزی شده و برنامه ریزی نشده شکل می یابد. از دیدگاه لویس (۱۹۹۹) آسیب پذیری نه تنها به وسیله واکنش اقدام پس از سانحه بلکه باید از طریق مدیریت مستمر تغییر برطرف گردد و این تغییر را توسعه می گویند (lewis,1999).

سوانح مانند سایر بحران های اجتماعی یا اقتصادی دارای چرخه یا دوره زیست هستند ؛ این چرخه با موقعیت قبل از سانحه شروع می شود که در آن شرایط ساختاری برای سانحه فراهم است. سپس سانحه وارد دوره شروع می گردد، یعنی زمانی که مخاطره طبیعی از قبیل سیل اتفاق می افتد و در نتیجه آن شرایط، سانحه توسعه پیدا می کند؛ واکنش های متعاقب جامعه در طول چیزی که تحت عنوان فازهای مدیریت سانحه ، امداد ، توان بخشی و بازسازی نامیده می شود، شناخته شده است. لوئیس معتقد است که مراحل مدیریتی سانحه در نظرات صاحب نظران تحت عنوان دوره های قبل ، حین و بعد از سانحه تنظیم گردیده است. به همین منوال ، سانحه ، بازسازی و توسعه به صورت قراردادی ادارات شده و به شکل خطی نمود پیدا کرده اند . در هر صورت ، وقوع آن ها هم زمان هست و هر مرحله با سایر مراحل در مکان های مجاور یا در همان مکان دارای هم پوشی بوده و در واکنش به سانحه ای مشخص یا سوانح مختلف و توسط سازمان ها به طور یکسان یا مختلف پاسخ داده شده اند (Cuny,1983) .

-سوانح و توسعه پایدار

توسعه پایدار حاوی بار ارزشی بوده که منعکس کننده عدالت و برابری هست، مانی و کلیم به ضرورت آموزش برای اجتناب از سوانح توجه کرده اند و نیاز به برنامه ریزی خانواده و سازمان اجتماعی را از موارد مهم توسعه پایدار دانسته اند (Gani and Clemes, 2003). عامل مهم دیگر در بحث پایداری، حقوق، سرمایه ها، رفتارهای قومی، نژادی و حکمرانی خوب هست که نهادهای دولتی باید به شیوه ای آشکار در فرایندهای سیاسی خود زمینه های تحقق آن ها را فراهم نمایند (Prasad, 2003). وقوع سوانح طبیعی سبب بروز تغییراتی در شرایط زیست محیطی می گردد، تغییراتی که روند زندگی مردم را مختل ساخته، تأثیرات مخربی بر سکونتگاه ها به جا گذاشته و خسارت های اقتصادی، اجتماعی و محیطی گسترده ای را بر جوامع تحمیل می نماید. نکته مهم در این رابطه اتخاذ تدابیر و راهبردهایی برای کاهش خسارت های احتمالی هست. به نظر ویچسلگارتنر، سانحه در درون جامعه اتفاق می افتد نه در داخل محیط و از آن به عنوان مانع توسعه یاد می نمایند (Weichselgartner, 2001). از دیدگاه تئوری، جامعه پایدار توانایی تحمل فرایندهای شدید ژئوفیزیکی و بازایی سریع بعد از وقوع آن را دارد. بنابراین قابلیت پایداری متکی به برنامه ریزی و سازمان دهی دقیق ظرفیت های جامعه بوده که هم به اصلاح و بهبود اثرات سوانح و هم به تسهیل فرایندهای بازایی بعد از آن کمک می نماید. رویکرد برنامه ریزی جامع باید به استراتژی های تخفیف برای کاهش خطر و در معرض بودن، طرح های پس از سانحه برای ارتقای بازایی کوتاه مدت و بلند مدت و بررسی دقیق عوامل ساختاری و شناختی مؤثر بر اثربخشی برنامه ها توجه کند (Tobin, 1999). از دید تویم برای درک کامل آسیب پذیری جامعه در برابر سوانح طبیعی بایستی توجه بیشتری به عوامل مؤثر بر توسعه از قبیل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نهادی، سیاسی و حتی روان شناختی، گردد (Trim, 2004). تخریب منابع درآمدی مردم، امکانات زیستی و مراکز فعالیت آنان منجر به افزایش آسیب های اقتصادی و فیزیکی آنان می شود. بعلاوه، سوانح طبیعی با تخریب زیرساخت ها و اموال عمومی جامعه رفاه اجتماعی را به طور مستقیم تحت فشار قرار می دهد و عملکردهای معمول جامعه را مختل می کند (yodmani, 2000).

-تاب آوری در برابر بلایا

جامعه‌ی علمی دنیا در مواجهه با روند فزاینده‌ی شهرسازی و پیامدهای احتمالی پدیده‌ی تغییرات اقلیمی در راستای انسجام مفهوم تاب‌آوری در حوزه اجرایی مدیریت شهری کوشش نموده‌اند. تاب‌آوری زمانی یک مفهوم انقلابی بود ولی امروز تبدیل به یک کلید واژه در زمینه مدیریت بحران شهری شده است. با این وجود تبدیل کردن مفهوم تاب‌آوری به ابزار منسجمی که طرف‌های دخیل آن را بپذیرند و به کار گیرند کاری بس دشوار است. (charlotte etal,2020)

تاب‌آوری سیل یکی از مفاهیم در حال گسترش برای مقابله با شرایط سخت آب و هوایی و به حداقل رساندن پیامدهای ناگوار آن می‌باشد. در میان مطالعات انجام شده روی مفاهیم تاب‌آوری، بسترهای سنجشی، تدابیر و استراتژی‌های مدیریتی یک شکاف علمی بزرگ وجود دارد. (guangtao etal,2020).

روند سریع شهرسازی در کنار تغییرات اقلیمی به احتمال فراوان به بروز سیل‌های بزرگ‌تر نسبت به گذشته خواهد انجامید. پیچیدگی فرآیند شهرسازی و فاکتور عدم قطعیت آب و هوا مهم‌ترین چالش‌های پیش روی برنامه‌ریزان شهری در ساخت شهرهای امن و با آسیب‌پذیری کمتر هستند. مدیریت سنتی سیل که به تدابیر کنترل سیل وابسته است نمی‌تواند خود را با سیلاب‌های جدید سازگار کند. در این زمینه مفهوم تاب‌آوری به عنوان یک رویکرد نسبتاً تازه برای نواحی شهری بسیار مورد توجه قرار گرفته است. (zulkifli etal,2021)

در چند دهه‌ی گذشته مساله‌ی برآورد تاب‌آوری سیلاب شهری مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، با این وجود شمار تحقیقاتی که با استفاده از تصمیم‌سازی چند معیاره (MCDM) در پی سنجش کمی تاب‌آوری سیلاب شهری بوده‌اند بسیار اندک می‌باشد. افزون بر این، نتایج به دست آمده از روش‌های گوناگون MCDM در برخی موارد تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند. رسیدن به یک رویه‌ی جامع از این روش‌ها کاری بس دشوار است. (zhu and liu,2020) تاب‌آوری در ارتباط با مدیریت ریسک سیل (FRM) مفهوم تازه‌ای نیست با این حال بخشی از دست اندرکاران FRM همچنان در به کارگیری آن تردید دارند. (fekete etal,2019) تاب‌آوری اغلب به عنوان یک رویکرد مدیریت سیلاب جدید مطرح می‌گردد. با این وجود این تازگی هنوز محل بحث است چرا که از دید برخی

کارشناسان، روند کنونی FRM خود حاوی همه‌ی جنبه‌های تاب‌آوری می‌باشد. درستی این دیدگاه بسته به آن است که تاب‌آوری چگونه تعریف و اجرا گردد. اگر تاب‌آوری را در قالب حالت‌پذیری، انعطاف‌پذیری و توانمندی مطرح نماییم، در این صورت هیچ چیز تازه‌ای در خود ندارد. با این وجود، اگر تاب‌آوری را در حمایت از روابط غیرخطی، حالت‌های دینامیک ثبات و دیدگاه‌های گزار مطرح نماییم آنگاه تازگی خواهد داشت برای نمونه، آن دسته از مفاهیم اجتماعی - اقتصادی که فراتر از پارامترهای طراحی مهندسی هستند را می‌توان به چشم چالش‌های نوین میان - رشته‌ای یا فرا - رشته‌ای نگریست. شمار اندکی از دانشمندان حوزه‌ی اجتماعی به صراحت دیدگاه‌های خویش را در این زمینه بیان کرده‌اند که تاب‌آوری چیزی فراتر از بازتعریف مفهومی است و زمینه‌ساز تغییر و گزار است و حتی خواهان تعاملات سیاسی - اجتماعی بیشتر برای تحقق یک گزار اجتماعی می‌باشد. با این حال، درخواست برای ادغام فرآیندهای اجتماعی در فرآیندهای ریسکی به خودی خود تازگی ندارد. پیش‌تر، تئوری سیستم‌ها چند دهه پیش پا را از بازگشت به دیدگاه‌های فرآیند وضع کنونی فراتر گذاشته و روی به کارگیری رویکرد توسعه مارپیچ به جای توسعه چرخه‌ای تاکید کرده است. از سوی دیگر، انسجام بیشتر بازیگران یا رشته‌ها هم دیدگاه تازه‌ای نیست. طرف‌های دخیلی که باید در استراتژی‌های FRM نقش داشته باشند شامل برنامه‌ریزان شهری، صاحب‌خانه‌ها و زمین‌داران می‌باشند. بازیگران و رشته‌های گوناگون تعریف متفاوتی از مفهوم تاب‌آوری دارند که این مساله تاب‌آوری اصطلاحی بحث‌برانگیز ساخته است در این میان برخی باور دارند که این شرایط مانع تبدیل شدن تاب‌آوری به جریان رایج نمی‌شود بلکه هر چه بحث بر سر تعریف آن بیشتر باشد، انگیزه‌ی گفتگو درباره‌ی آن افزایش می‌یابد. آنچه در گذشته تبدیل به اصطلاح شده بود نیازمند ارزیابی دوباره است و هم اکنون مفهوم توسعه ظرفیت نیز در سایه‌ی تاب‌آوری در دست بازنگری می‌باشد. با این وجود، مفاهیم جایگزین تازه‌ای نیز مطرح گردیده که یکی از آنها دربردار نام دارد و در توصیف آن گفته شده که نه تنها یکپارچگی را برای افراد و گروه‌های اجتماعی نادیده گرفته شده اعمال می‌کند بلکه از اساس نقش یک ایده‌ی عمومی درباره‌ی نقش‌آفرینی چند طرفه را بازی می‌کند (fekete, 2020). می‌توان ورود واژه تاب‌آوری به مباحث مدیریت بحران و سوانح را به عنوان تولد فرهنگی جدید در مدیریت بحران و سوانح دانست (kazemi, 2015:12). داگلاس و ویداوسکی (۱۹۸۲) تاب‌آوری را از دیدگاه

بحران چنین تعریف می کنند : ظرفیت استفاده از بحران برای بهتر کنار آمدن با شرایط ناشناخته، یادگیری برای بازگشت به گذشته و تاکید می دارند که تاب آوری برتنوع تکیه می کند (ainuddin and routray,2012:5)

جامعه تاب آور؛ جامعه ای می باشد که علاوه بر توانایی تحمل شوک ها و ضربه های بلایا، توانایی با ظرفیت برگشت به حالت عادی، درحین و پس از سانحه و همچنین امکان و فرصت تغییر و سازگاری پس از سوانح را نیز داشته باشد (rezaii etal,2015:4). درحال حاضر تاب آوری یک فرایند در علوم بیولوژیکی و مهندسی است که در دهه گذشته این مفهوم در علوم شهری و منطقه ای محبوبیت زیادی داشته است (Shinichiro etal,2017:383). تاب آوری به عنوان توانایی یک منطقه برای ثبت موفقیت اقتصادی همراه با انسجام اجتماعی، برای حفاظت از محیط زیست و توانایی برای غلبه بر شوک می باشد (iordan etal,2015:627-628). منشا مفهوم تاب آوری از سیستم های اکولوژیکی یا زیست محیطی است (abunnasr,2013:18). تاب آوری این ظرفیت را دارد که در چرخه مدیریت سوانح طبیعی در پیش، حین و پس از سانحه وارد گردد (Anderson and cardona,2013:1). در مطالعات شهری، تاب آوری عمدتاً اشاره به ظرفیت بهبود در برابر فجایع طبیعی داشته است (stehr,2006:2). تاب آوری شهری به توانایی یک سیستم شهری و شبکه های متشکل آن اعم از شبکه های اجتماعی، زیست محیطی، اجتماعی، فنی برای پایداری در مقیاس های زمانی و فضایی هنگام مواجهه شدن با اختلالات، برای بازیابی سریع عملکردهای خود، جهت انطباق با تغییرات و همچنین تغییر سریع وضعیت سیستم با توجه به محدودیت های ظرفیت انطباقی حال و آینده، اشاره دارد. (newell and meerow,2016:38-49). بررسی مطالعات در باب تاب آوری شهری نشاگر این واقعیت می باشد که تاب آوری از جهات گوناگون قابل بررسی بوده و هر مطالعه با توجه به نگرش و دیدگاهی که از آن زاویه به موضوع می پردازد، تعاریفی از تاب آوری ارائه نموده است که مثلاً لیچنکو (lichenko) معتقد می باشد که تاب آوری ویژگی مثبتی است که بطور گسترده منجر به پایداری می گردد (lichenko,2011,66). موضوع واژه تاب آوری در مبحث بلایا می تواند به عنوان تولد فرهنگ جدیدی برای واکنش به بلایا مشاهده گردد. به طور معمول عباراتی مانند «پایداری و جوامع تاب آور، وسایل امرارمعاش تاب آور و ایجاد تاب آوری اجتماعی در مقالات، اسناد و برنامه ها موجود می باشد. علی رغم اینکه برخی آن را به عنوان یک الگوی

جدید می شناسند. (McEntire et al, 2002: 267). و برخی دیگر از آن به عنوان چیزی بیشتر از یک عبارت می دانند که استفاده از دیگر حالت های بلایا مانند آسیب پذیری یا امکان کاهش خطر را تبیین می نماید. مبنای نظری تاب آوری در برابر بلایا بر روی دامنه ای از مطالعات تمرکز یافته است. توبین (۱۹۹۹) یک چارچوب ترکیبی پایدار و تجزیه و تحلیل برای جوامعی که در محیط های خطرناک هستند را ارائه می دهد (Paton, 2001: 270). کارمکینتاش و همکاران (۲۰۰۲) سیر تکامل الگوهای بلایا را برای مدیریت جامع بلایا از طریق جامعه پایدار در برابر بلایا، جوامع تاب آور در برابر بلایا، توسعه پایدار و کاهش خطرات پایدار و توسعه آسیب ناپذیر برای مدیریت جامع آسیب پذیری بدون در نظر گرفتن سیر زمانی ردیابی می نمایند. در اینجا منظور وارد شدن به بحث روی ویژگی های الگو نمی باشد اما الگوی تاب آوری، یک الگوی شناور بوده و به گونه ای نیست که مانند یک سند، ضمانت بدهد. مفهوم تاب آوری در غیاب ابعاد فلسفی و نبود روشنی در درک، تعریف، ماهیت و از همه مهم تر، قابلیت اجرا در مدیریت بلایا، نظریه، تجربه و توسعه پایدار مورد قبول واقع گردیده است (Manyena, 2006: 345). ابعاد اصلی که آسیب پذیری و تاب آوری را متاثر می کند، عبارتند از: مولفه های فیزیکی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، سازمانی و اکولوژیکی (cutter, 2014: 69).

نتیجه گیری

در این مقاله دیدگاهها و نظریه های مختلف پیرامون مدیریت بحران مورد بررسی قرار گرفته است. و نتایج آن به شرح ذیل می باشد. دیدگاه سنتی؛ بحران را اساساً یک پدیده و وضعیت منفی نامطلوب دانسته که به هر نحوی باید از آن دوری جست. در این دیدگاه مدیریت بحران تنها به مسئله امداد و نجات و کمک رسانی، به صورت موردی نگریده می شود. اما در دیدگاه نوین؛ سعی بر آن هست تا با کمک گرفتن از تجربیات گذشته شناخت دقیق پدیده های طبیعی و محیطی، نسبت به پیش بینی و پیشگیری حوادث غیرمترقبه اقدام شود تا بتوان خسارت های ناشی از آنها را به حداقل ممکن کاهش داد. در پارادایم فن محور؛ راه حل های برنامه ریزی به عنوان عوامل زمینه ساز برخی از معیارهای محدود کننده در توسعه سرزمین مورد توجه واقع شده اند که ارزیابی آن با وزن دهی به شاخص هایی همچون

شدت و تکرار مخاطره و آسیب پذیری ساختارها انجام می پذیرد. در چند دهه ی گذشته مساله ی برآورد تاب آوری سیلاب شهری مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، با این وجود شمار تحقیقاتی که با استفاده از تصمیم سازی چند معیاره (MCDM) در پی سنجش کمی تاب آوری سیلاب شهری بوده اند بسیار اندک می باشد. افزون بر این، نتایج به دست آمده از روش های گوناگون MCDM در برخی موارد تفاوت های چشمگیری با هم دارند. رسیدن به یک رویه ی جامع از این روش ها کاری بس دشوار است. تاب آوری اغلب به عنوان یک رویکرد مدیریت سیلاب جدید مطرح می گردد. با این وجود این تازگی هنوز محل بحث است چرا که از دید برخی کارشناسان، روند کنونی FRM خود حاوی همه ی جنبه های تاب آوری می باشد. ابعاد اصلی که آسیب پذیری و تاب آوری را متاثر می کند، عبارتند از: مولفه های فیزیکی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، سازمانی و اکولوژیکی

منابع و مآخذ

- بیرودیان ، نادر (۱۳۸۵) ؛ مدیریت بحران ، اصول ایمنی در حوادث غیر منتظره ، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد
- ۳۵-روشندل اربطانی ، طاهر و سیاوش صلواتیان (۱۳۸۹) ؛ طراحی مدل نقش رسانه های جمعی در مدیریت مرحله پیش از بحران ، فصلنامه علوم مدیریت ایران ، شماره ۱۷ (۵) ، بهار ، صص ۸۹-۱۱
- ۵۰-عبداللهی ، مجید ؛ ۱۳۹۴ مدیریت بحران در نواحی شهری ، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور ، تهران
- میرزائی، محمد(۱۳۹۱). نقش مدیریت بحران در سازمانها. مدیر شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه تربت حیدریه.
- Alexander Fekete | Thomas Hartmann | Robert Jüpne, 2020, Resilience: On-going wave or subsiding trend in flood risk research and practice?, WIREs Water 2020. <https://doi.org/10.1002/wat2.1397>
- Abunnars, Y. (2013). climate change Adaptation: A G Infrastrucre Farmwork For Resilient Urban Regions phd Thesis, Massachusetts University England
- Abarquez, I. and Murshed, Z. (2004). Community-Based Disaster Risk
- Ainuddin, S., & Routray, J. K. (2012). Community resilience framework for an earthquake prone area in Baluchistan. International Journal of Disaster Risk Reduction, 2, 25-36. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.ijdr.2012.07.003>
- Bankoff, G. (2001), Rendering the Word Unsafe : Vulnerability .As Western Discourse , Disasters , 2001, 25(1): 19-35 . Oxford : Blackwell
- Charlotte Heinzlefa, b, d, *, Benoît Robertc, Yannick Hémonde, Damien Serre, 2020, Operating urban resilience strategies to face climate change and associated risks: some advances from theory to application in Canada and France, Cities 104 (2020) 10276, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102762> 2019

- Coombs, (1999). "Information and compassion in crisis responses: a test of their effects" Journal of Public Relations Research, 11(2), 1254142.
- Cutter, s. l, Ash, k. d. & Emrich, C. T. , 2014, The geographies of community disaster resilience. Global Environmental Change, 29, 65-77. Retrieved from: <http://www.science direct.com/ science/ article/ pii/ S0959378014001459>, 2014: 69.
- Cuny, F.C (1983), Disasters and Development . New York : Oxfam and Oxford University Press.
- Guo E.L., Zhang Z.Q. and Ren X.H., et al. (2014). Integrated risk assessment of flood disaster based on improved set pair analysis and the variable fuzzy set theory in central Liaoning Province. China. Nat. Hazards Journal, 74: 947–965.
- Gani, A., Clemes, M.D. (2003), Aid type and its relationship with human well-being, international journal of Social Economics, Vol. 30 No.6, pp.666-78.
- Gina L. Tonn and Seth D. Guikema, 2017, An Agent-Based Model of Evolving Community Flood Risk, Risk Analysis 38(3), DOI: 10.1111/risa.12939
- Guangtao Fu, Fanlin Meng, Mónica Rivas Casado and Roy S. Kalawsky, 2020, Towards Integrated Flood Risk and Resilience Management, Water 2020, 12, 1789; doi:10.3390/w12061789
- HILL C & Jones G. (1995), "Strategic management theory", Houghton Mifflin Company.
- Kazemi, D. 2015. "Designing a Conceptual Framework to Measure Components Influencing City Resilience against Earthquake Crisis, Case: Tehran". Ph.D. thesis. [in Persian], Science and Research University.
- Leichenko, R. (2011). "Climate Change and Urban Resilience". Current Opinion in Environmental Sustainability. 3(3). Pp. 164-168.
- Jordan, M., Chilian, M.N., and Grigorescu, A. (2015). Regional Resilience in Romania - Between Realism and Aspirations. Economics and Finance, 22, 627 – 635.
- Lewis, James (1999), Development in Disaster – Prone Places : Studies of Vulnerability , London , Intermediate Technology Publications.

-Manyena, S.B., (2006), "The concept of resilience revisited", Disasters Journal compilation Overseas Development Institute, No. 30(4), pp. 433–450.

- Meyers, G& Holusha,J(1998). Managing crisis , London Unwin Publications .

145-Muhammad,RJ,٢٠١٨ ,Geogr Nat Disast ,Theory Building in Disaster Management , Journal of Geography and Natural Disaster,Issn2167-0578,2018,Volume8,Issus2. 1000225

-Meerow, S., Newell, J. P., & Stults, M. (2016). Defining urban resilience: A review. Landscape and Urban Planning, 147, 3849. Retrieved from: www.sciencedirect.com/science/article/

-Nateghi, A. F., (1998) "Existing and proposed disaster management organization for Iran", Proceedings of the First Iran- Japan Workshop on Recent Earthquakes in Iran & Japan.

-Paton, D. and Johnston, D., (2001), "Disasters and communities: Vulnerability, resilience and prepared preparedness", Disaster Prevention and Management, No. (10), pp. 270–27

- Prasad, I.P. (2003), The Great Earthquake , the Life and Times of Maharaja juddha shamsher jung bahadur Rana of Nepal. Delhi: Ashish publishing House.

-Richard Peet and Nigel Thrift,1989,New models in geography The political-economy perspective, ISBN 0-415-23965-6 (pbk), London

-John A. Parnell;l William Rick crandall ;-Michael L. Menefee; 1997 "Management Perceptions of Orgaizational Crises: Across-cultural study of egyption managers"; Academy of strategic andorganizational leadership journal; Volume 1; Number 1; 1997; P. 9-10.

-Rezaii, MR. Rafiian, M. Hosseini, M. 2015. "Measurement of Physical Resilience -of Urban Communities against Earthquake, Case: Neighborhoods of Tehran", [in Persian]. Human geography research, volume 47, No.4

-Shinichiro Nakamura - Taikan Oki,2017, Paradigm Shifts on Flood Risk Management in Japan: Detecting Triggers of Design Flood Revisions in the Modern Era, Hydrology delivers Earth System Sciences to Society (HESSS4): Improving and Integrating

Knowledge across Disciplines on Global Energy, Water and Carbon Cycles Water resources research journal, advancing earth and space science community, Doi: 10.1029/2017WR022509

-Stehr, S. D. (2006). The political economy of urban disaster assistance. Urban Affairs Review, 41, 492e500

- Stonich , S (2000), The Human Dimensions of Climate Change: The Politival Ecology of Vunerability, Department of Anthropology Environmentl Studies , University Of California.

- Tobin, Gham A. (1999). Sustainability And Community Resilience: The Holy Grail Of Hazards Planing ? Environmental Hazards 1: 13-25 .

- United Ntion (2004), Building DisasterResilient Communities : Good Practices and Lesson Leraned , A Publication of the Global Network of NGOs for Disaster Risk Reduction , Geneva .nvironmental Hazards 1: 13-25.

-weichselgartner , J.(2001), Disaster Miitigatioon : The Concept of vulnerability Revisted, Disaster Prevention and management, volume 10,Number 2,Pp85-94

- Yodmani , S (2000),Disaster Risk Management and VulnerabilityReduction : Protecting the Poor : Paper Presented at The Asia and Pacific Forum on Poverty Organized by the Asian Development Bank,2000,8

-Zhu, H.; Liu, F. 2021,A GroupDecision-Making Framework for Evaluating Urban Flood Resilience: A Case Study in Yangtze River. Sustainability 2021, 13, 665.
<https://doi.org/10.3390/su13020665>

-Zulkifli Ahmad Zaki, Yusfida Ayu Abdullah, Mohammad Yusup & Ishak Che Abdullah,2021, Application of Resilience Model for Flood Management in Local Planning Context, Journal of Administrative Science Vol.18, Issue 1, 2021, pp. 237 - 248 Available online at <http://jas.uitm.edu.my>